

مهر تعطیلی برپیشانی مدارس

دیوار مدارس چنان کوتاه شده که روزهای تعطیل به راحتی از سر دانش‌آموزان می‌پرند و از کف می‌روند



بهاره شیرانی، نماینده کلاس و مادر یک دانش‌آموز مقطع پنجم ابتدایی در شهرک ابریشم استان البرز، کارشناس ارشد روان‌شناسی است. او می‌گوید: وقتی مدارس به صورت طولانی مدت تعطیل می‌شود اثرات منفی زیادی را بر کیفیت آموزش می‌گذارد، او به سه جنبه در این باره اشاره می‌کند. اول اینکه کودکان وقتی در معرض تعطیلات طولانی قرار می‌گیرند نسبت به حضور دوباره در مدرسه و آموزش حضوری گارد می‌گیرند. نسل دهه ۹۰ به خاطر عادتی از ارتباط‌های حضوری و معمول گریزان است، حال در نظر بگیرید که وقتی در دی ماه گذشته کودک من فقط یک هفته در مدرسه حضور پیدا کرده و مدرسه به دلایل مختلف تعطیل شده است، یعنی ما با این شیوه از اداره و تصمیم‌گیری درباره مدارس او را به سمت انزوای بیشتر هل داده‌ایم. من هم در کودک خود و هم در تعاملاتی که با مادران کودکان دیگر داشتم، متوجه این قضیه شده‌ام که تعطیلی طولانی مدت مدارس، کودکان را دچار اختلال در هماهنگی با محیط آموزش می‌کند.

ما معمولاً نسبت به حضور در مکان جدید یا رابطه با افراد جدید، حس ناخوشایندی را تجربه می‌کنیم، البته افرادی که اجتماعی‌تر و به اصطلاح برون‌گرا ترند و توانایی تعامل با محیط در آنها بیشتر است، کمتر در معرض این تنش‌ها قرار دارند اما نکته این است که اغلب افراد به مرور زمان می‌توانند با محیط‌های جدید ارتباط برقرار کنند و از میزان استرس آنها کاسته شود. این موضوع درباره کودکان نیز صدق می‌کند و همچنان که تجربه کرده‌ایم به جز موارد خاص و نادر بیشتر کودکان بعد از چند روز یا یک هفته با شرایط حاکم بر فضای آموزشی هماهنگ می‌شوند اما نکته این است که وقتی کودکان به طور طولانی مدت از محیط آموزشی جدا می‌شوند، حضور دوباره در فضای آموزشی آنها را در معرض استرس و فشار روانی قرار می‌دهد.

نکته دوم در این باره این است که وقتی مدارس تعطیل می‌شود، به ویژه در مقطع دبستانی که کودکان به حمایت و پشتیبانی والدین خود در یادگیری نیاز دارند، بار آموزش کودکان عملاً به دوش والدین به ویژه مادران می‌افتد. حال شما در نظر بگیرید زنان شاغل در این باره دچار چه تنش‌های فرساینده‌ای می‌شوند.

وقتی مادر شاعلی کودک خود را به دست مدرسه می‌سپارد، خیالش راحت است که کودک او در مدرسه است اما وقتی مدرسه تعطیل است، زنان شاغل نمی‌دانند با این وضعیت چه کنند. این وضعیت آشنگی‌های زیادی به همراه دارد، به ویژه در خانواده‌هایی که از شهرستان به تهران مهاجرت کرده‌اند و وابستگی ندارند، این مسئله به تشدید مشکلات این خانواده‌ها کمک می‌کند.

اما نکته پیاپی که این مادر روی آن تأکید می‌کند: این تجربه مشترک خیلی از مادرانی است که من با آنها در ارتباط هستم. آموزش مجازی به ویژه در چند هفته گذشته که با اختلال‌های وسیعی در فضای اینترنت کشور همراه بوده، نتوانسته است کیفیت لازم آموزشی را ایجاد کند. با وجود اینکه مسئولان رسمی آموزش و پرورش اعلام کرده بودند پلتفرم شاد مکرر مدارس به این طومار طولانی اضافه شده است.

به نظر می‌رسد وزارت آموزش و پرورش در این باره صاحب‌اراده چندانی نیست و باینکه وزرا معمولاً در روزهای اول تصدیگری‌شان طبق روالی مرسوم وعده می‌دهند موضع سختگیرانه‌ای در برابر تعطیلی مدارس خواهند داشت در عمل داستان‌طور دیگری نوشته می‌شود. از طرفی وقتی مدیران کلان کشور در عمل مدرسه را جدی نمی‌گیرند و به انجا و عناوین مختلف مدارس را تعطیل می‌کنند، خواه‌ناخواه این پیام را به حلقه‌های دیگر این زنجیره یعنی خانواده‌ها، کادر آموزشی و دانش‌آموزان می‌فرستند که آموزش مقوله‌ای حاشیه‌ای و غیرجدی است.

یادم می‌آید دهه ۶۰ که دانش‌آموز دبستان بودم، تعطیلی مدارس یک استثنا بود. مثلاً تبریز که شهر سردسیری است و آن زمان مستان‌های سرد و برفگیر و روزهای یخبندان کم نداشت، با وجود آنکه چیزی به نام سرویس مدرسه وجود خارجی نداشت و آپشنی لاکچری و کمیاب به شمار می‌رفت، اکثر کودکان و نوجوان‌ها با پای پیاده، در پیاده‌روها و خیابان‌های یخ‌زده به مدرسه می‌رفتند و مدارس به ندرت تعطیل می‌شد. چرا؟ چون همه پذیرفته بودند که سردی و برودت هوا، بارش برف یا یخبندان معابر بخشی از شرایط و اقتضائات اقلیم است. این منطق کاملاً درست بود و دانش‌آموزان، خانواده‌ها و کادر آموزشی تکلیف خود را می‌دانستند و کسی گوش به زنگ اخبار نبود اما امروز کار به جایی رسیده که ذهن دانش‌آموزان نسبت به تعطیلی مدارس شرطی شده است، هر اتفاق مرتبط و غیرمرتبط در سطح اقلیمی، اجتماعی و کاستی‌های موجود در بخش‌های مختلف می‌تواند به تعطیلی مدارس منجر شود. سرویس مدارس، خانواده‌ها، کادر آموزشی، والدین و حتی دانش‌آموزان فهمیده‌اند که قرار نیست به این زودی فکری به حال وضعیت آینده‌های هوای کلانشهرها شود یا مصرف منابع حیاتی به گونه‌ای باشد که دولت برای جلوگیری از افت فشار و قطعی گاز روی مدارس و ادارات دست نگذارد. حافظ بیت شاهکاری دارد که در آن یک ضرب‌المثل عربی استفاده می‌کند: «خرالدواء الکی/آخرین رهاکار، داغ نپه‌اند است». ظاهراً قدیم وقتی در درمیان عفونت‌ها دارو جواب نمی‌داده محل عفونت را داغ می‌نهادند؛ راه حلی در ناگه اما گر یزناپذیر، یعنی تا حد امکان سعی می‌کردند سراغ چنین نسخه‌ای نروند. حالا هم تعطیلی مدارس باید مثل همان ضرب‌المثل باشد: آخر الدواء الکی. این یعنی تعطیلی مدارس در ذهن تصمیم‌گیران باید یک استثنا باشد اما عملاً به یک قاعده تبدیل شده است. نظام آموزشی به مثابه یک دیوار کوتاه در تالوان ناکارآمدی در بخش‌های دیگر را پرداخت می‌کند.

در دسترس کادر آموزشی و دانش‌آموزان قرار دارد، در بسیاری از نقاط از جمله در شهرک ما با اختلال در دسترسی همراه بود. گاهی حتی معلمان نیز نتوانسته بودند به این سامانه دسترسی پیدا کنند یا اگر در این مدت کلاسی برگزار شد با قطع و وصل‌های زیادی همراه بود. من خبر دارم که معلم‌های زیادی نتوانسته بودند کلیپ‌های ساخته شده برای درس دانش‌آموزان را در «شاد» بارگذاری کنند.

مدرسه بی کیفیت، مدرسه تعطیل

اما نکته شگفت ماجرا تعطیلی پنهان مدارس است؛ سوژه‌ای که کمتر به آن توجه می‌شود. یک معلم ابتدایی در حاشیه شهر تهران در جلسه هماهنگی‌ای که با والدین دانش‌آموزان گذاشته است، به این موضوع اشاره می‌کند. او اول از همه از شانس بزرگ خود در این مدرسه یاد می‌کند: کلاس من استثنائاً ۲۷ دانش‌آموز دارد، در حالی که کلاس‌های دیگر ۴۰ نفره هستند. همکار من که یک کلاس ۴۰ نفره را در این مقطع اداره می‌کند، به ستوه آمده است. من سال گذشته همین تجربه را داشتم.

در کلاس من ۴۲ دانش‌آموز حضور داشتند و تقریباً نیمی از زمان کلاس صرف ساکت کردن دانش‌آموزان می‌شد. وقتی شما در چنین فضایی حضور پیدا کنید، معلم شاهکار هم باشد، کاری از پیش نخواهد برد و کیفیت آموزش به شدت پایین خواهد آمد. اینجا ما کلاسی داریم که ظاهراً دایر است، یعنی مسئولان آموزش و پرورش می‌توانند در آمارهای خود این کلاس‌ها را جزو فضاهای آموزشی دایر حساب کنند اما در عمل چنین فضاهایی تعطیل شده است، چون دانش‌آموز چیزی در این فضاها یاد نمی‌گیرد مگر اینکه والدین او در خانه تمرین‌ها

اختلال در یادگیری با تعطیلات طولانی

بهاره شیرانی، نماینده کلاس و مادر یک دانش‌آموز مقطع پنجم ابتدایی در شهرک ابریشم استان البرز، کارشناس ارشد روان‌شناسی است. او می‌گوید: وقتی مدارس به صورت طولانی مدت تعطیل می‌شود اثرات منفی زیادی را بر کیفیت آموزش می‌گذارد، او به سه جنبه در این باره اشاره می‌کند. اول اینکه کودکان وقتی در معرض تعطیلات طولانی قرار می‌گیرند نسبت به حضور دوباره در مدرسه و آموزش حضوری گارد می‌گیرند. نسل دهه ۹۰ به خاطر عادتی از ارتباط‌های حضوری و معمول گریزان است، حال در نظر بگیرید که وقتی در دی ماه گذشته کودک من فقط یک هفته در مدرسه حضور پیدا کرده و مدرسه به دلایل مختلف تعطیل شده است، یعنی ما با این شیوه از اداره و تصمیم‌گیری درباره مدارس او را به سمت انزوای بیشتر هل داده‌ایم. من هم در کودک خود و هم در تعاملاتی که با مادران کودکان دیگر داشتم، متوجه این قضیه شده‌ام که تعطیلی طولانی مدت مدارس، کودکان را دچار اختلال در هماهنگی با محیط آموزش می‌کند.

ما معمولاً نسبت به حضور در مکان جدید یا رابطه با افراد جدید، حس ناخوشایندی را تجربه می‌کنیم، البته افرادی که اجتماعی‌تر و به اصطلاح برون‌گرا ترند و توانایی تعامل با محیط در آنها بیشتر است، کمتر در معرض این تنش‌ها قرار دارند اما نکته این است که اغلب افراد به مرور زمان می‌توانند با محیط‌های جدید ارتباط برقرار کنند و از میزان استرس آنها کاسته شود. این موضوع درباره کودکان نیز صدق می‌کند و همچنان که تجربه کرده‌ایم به جز موارد خاص و نادر بیشتر کودکان بعد از چند روز یا یک هفته با شرایط حاکم بر فضای آموزشی هماهنگ می‌شوند اما نکته این است که وقتی کودکان به طور طولانی مدت از محیط آموزشی جدا می‌شوند، حضور دوباره در فضای آموزشی آنها را در معرض استرس و فشار روانی قرار می‌دهد.

نکته دوم در این باره این است که وقتی مدارس تعطیل می‌شود، به ویژه در مقطع دبستانی که کودکان به حمایت و پشتیبانی والدین خود در یادگیری نیاز دارند، بار آموزش کودکان عملاً به دوش والدین به ویژه مادران می‌افتد. حال شما در نظر بگیرید زنان شاغل در این باره دچار چه تنش‌های فرساینده‌ای می‌شوند.

وقتی مادر شاعلی کودک خود را به دست مدرسه می‌سپارد، خیالش راحت است که کودک او در مدرسه است اما وقتی مدرسه تعطیل است، زنان شاغل نمی‌دانند با این وضعیت چه کنند. این وضعیت آشنگی‌های زیادی به همراه دارد، به ویژه در خانواده‌هایی که از شهرستان به تهران مهاجرت کرده‌اند و وابستگی ندارند، این مسئله به تشدید مشکلات این خانواده‌ها کمک می‌کند.

اما نکته پیاپی که این مادر روی آن تأکید می‌کند: این تجربه مشترک خیلی از مادرانی است که من با آنها در ارتباط هستم. آموزش مجازی به ویژه در چند هفته گذشته که با اختلال‌های وسیعی در فضای اینترنت کشور همراه بوده، نتوانسته است کیفیت لازم آموزشی را ایجاد کند. با وجود اینکه مسئولان رسمی آموزش و پرورش اعلام کرده بودند پلتفرم شاد مکرر مدارس به این طومار طولانی اضافه شده است.

به نظر می‌رسد وزارت آموزش و پرورش در این باره صاحب‌اراده چندانی نیست و باینکه وزرا معمولاً در روزهای اول تصدیگری‌شان طبق روالی مرسوم وعده می‌دهند موضع سختگیرانه‌ای در برابر تعطیلی مدارس خواهند داشت در عمل داستان‌طور دیگری نوشته می‌شود. از طرفی وقتی مدیران کلان کشور در عمل مدرسه را جدی نمی‌گیرند و به انجا و عناوین مختلف مدارس را تعطیل می‌کنند، خواه‌ناخواه این پیام را به حلقه‌های دیگر این زنجیره یعنی خانواده‌ها، کادر آموزشی و دانش‌آموزان می‌فرستند که آموزش مقوله‌ای حاشیه‌ای و غیرجدی است.

یادم می‌آید دهه ۶۰ که دانش‌آموز دبستان بودم، تعطیلی مدارس یک استثنا بود. مثلاً تبریز که شهر سردسیری است و آن زمان مستان‌های سرد و برفگیر و روزهای یخبندان کم نداشت، با وجود آنکه چیزی به نام سرویس مدرسه وجود خارجی نداشت و آپشنی لاکچری و کمیاب به شمار می‌رفت، اکثر کودکان و نوجوان‌ها با پای پیاده، در پیاده‌روها و خیابان‌های یخ‌زده به مدرسه می‌رفتند و مدارس به ندرت تعطیل می‌شد. چرا؟ چون همه پذیرفته بودند که سردی و برودت هوا، بارش برف یا یخبندان معابر بخشی از شرایط و اقتضائات اقلیم است. این منطق کاملاً درست بود و دانش‌آموزان، خانواده‌ها و کادر آموزشی تکلیف خود را می‌دانستند و کسی گوش به زنگ اخبار نبود اما امروز کار به جایی رسیده که ذهن دانش‌آموزان نسبت به تعطیلی مدارس شرطی شده است، هر اتفاق مرتبط و غیرمرتبط در سطح اقلیمی، اجتماعی و کاستی‌های موجود در بخش‌های مختلف می‌تواند به تعطیلی مدارس منجر شود. سرویس مدارس، خانواده‌ها، کادر آموزشی، والدین و حتی دانش‌آموزان فهمیده‌اند که قرار نیست به این زودی فکری به حال وضعیت آینده‌های هوای کلانشهرها شود یا مصرف منابع حیاتی به گونه‌ای باشد که دولت برای جلوگیری از افت فشار و قطعی گاز روی مدارس و ادارات دست نگذارد. حافظ بیت شاهکاری دارد که در آن یک ضرب‌المثل عربی استفاده می‌کند: «خرالدواء الکی/آخرین رهاکار، داغ نپه‌اند است». ظاهراً قدیم وقتی در درمیان عفونت‌ها دارو جواب نمی‌داده محل عفونت را داغ می‌نهادند؛ راه حلی در ناگه اما گر یزناپذیر، یعنی تا حد امکان سعی می‌کردند سراغ چنین نسخه‌ای نروند. حالا هم تعطیلی مدارس باید مثل همان ضرب‌المثل باشد: آخر الدواء الکی. این یعنی تعطیلی مدارس در ذهن تصمیم‌گیران باید یک استثنا باشد اما عملاً به یک قاعده تبدیل شده است. نظام آموزشی به مثابه یک دیوار کوتاه در تالوان ناکارآمدی در بخش‌های دیگر را پرداخت می‌کند.

سایه غمبار «شاد» بر سر مدارس

تجربه چندین ساله ما به عنوان معلمان مقطع ابتدایی نشان می‌دهد برگزاری کلاس‌های دانش‌آموزان به صورت مجازی، چالش‌هایی را با خود به همراه دارد که می‌تواند موجب افت کیفیت آموزشی و کاهش سطح یادگیری در دانش‌آموزان شود و در بلندمدت خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به سطح علمی دانش‌آموزان و میزان بازدهی آنان وارد کند. اولین مسئله در این باره نبود یا کمبود زیرساخت‌های مناسب برای برگزاری کلاس‌های مجازی و همچنین ناآشنایی و تسلط نداشتن اولیا و برخی از معلمان به پلتفرم‌های داخلی و خارجی برای برگزاری کلاس‌های آنلاین است که این امر موجب سردرگمی معلمان و اولیای دانش‌آموزان شده است. به عنوان مثال در دو هفته اخیر که بستر برگزاری کلاس‌ها از سمت آموزش و پرورش الزاماً اپلیکیشن شاد اعلام شد، معلمان و دانش‌آموزان برای استفاده از این نرم‌افزار مجبور به تعیین نقش در بستر شاد بودند اما با خطاهای مکرر از سمت این نرم‌افزار مواجه می‌شدند و آن دسته از افرادی که موفق به برگزاری کلاس‌شان در این بستر شدند نیز مدام از کند بودن آپلود مطالب آموزشی و ناکارآمدی این فضا برای تدریس شکایت داشتند.

مسئله بعدی که می‌توان به آن اشاره کرد، ابعاد روانی موضوع است. مجازی‌شدن مکرر و بی‌نظم و قاعده آموزش مدار لطمه روانی زیادی را هم به معلمان و هم به دانش‌آموزان وارد می‌کند. معلم به علت ناکارآمدی فضای آموزش مجازی و نبود بازدهی مناسب دانش‌آموزان در اکثریت موارد مجبور به تکرار مجدد مطالب در روزهای حضوری کلاس خواهد شد و این موضوع او را از بودجه‌بندی آموزشی‌اش عقب خواهد انداخت که جبران این مسئله بار روانی مضاعفی را هم به معلم و هم به دانش‌آموزان وارد خواهد کرد، همچنین دانش‌آموزان با تعطیلی‌های مکرر، نوعی بی‌ثباتی و ناپایداری را تجربه می‌کنند که اثرات سوئی بر مراعات ضوابط مدرسه خواهد گذاشت و از جدیت آنان در امور آموزشی خواهد کاست.

